

متن پرسش

سلام. راجع به نکاتی که در ده نکته مطرح شده چند سؤال برای من مطرح شده: ۱- این که گفتید که ما نمی‌خواهیم به سری اطلاعات فقط داشته باشیم این نکات را مطرح نمیکنیم بلکه برای شروع نگاه تازه‌ای به خودمون هست. برای من این شبهه پیش اومده که آیا من بشینم گوشه‌ی خونه و راجع به نفس خودم فکر کنم! یا اینکه منظورتون اینه که در جریان زندگی و بین مردم بودن این شناخت حاصل میشه. ۲- مباحثی که کلا در کتب و جزوات و سخنرانیهاتون مطرح میشه برای خودم فکر میکنم که به فطرتم نزدیکه، ولی این که درک درستی از وضعیت فعلی خودم داشته باشم و بعد به این مباحث روی بیاورم هم برای من مطرحه. شما لطفا بفرمایید که با شرایط حال بنده که به مقداریش رابراتون گفتم وخیلیش هم موند مثلا اینکه یکی از دغدغه‌های من به فعلیت رسوندن استعدادها و توانایی‌ها بی است که خداوند درونم قرارداده و یکی از علت‌هایی که شاید دچار این بیماری شدم همین بود که راهی یا به دوست یا رفیقی توی این دغدغه شریک خودم نمیدیدم. و تمام عوامل ضد این دغدغه‌ی من بوده و همه توی ون گروه‌هایی که هماهشون بودم فکر خودشون و از نظر مادی و قدرت بالاکشوندن خودشون بود حال با توجه به این دغدغه و اینکه خودم را هنوز پیدا نکردم که توی زندگی چی می‌خوام نمیدونم واقعا چکار کنم و مدت‌هاست که احساس تنهایی میکنم و حال به این نتیجه رسیدم که ازدواج میتونه این دغدغه را جامه‌ی عمل بیوشونه البته با یه انتخاب درست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- لازمی توجه حضوری به نفس ناطقه گوشه‌نشینی نیست، باید در مطالعه‌ی مباحث رویکردمان حضوری باشد و نه مفهومی که در کتاب «ان‌گاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود» بحث شده ۲- سعی کنید مورد مناسب ازدواج که پیدا شد دیگر بهانه‌گیری نکنید. موفق باشید